

دستگاه های موسیقی

منبع: زمینه ی شناخت موسیقی ایرانی - فریدون جنیدی

دستگاههای ایرانی پیش از یورش تازیان

نوا ی خوش، به سخنی دیگر، «خسروانی» یا «سرود خوش» بوده است. پس همه ی آهنگ هایی که برابر سامانه ی هفت نغمه ای (هفت نت) نواخته می شده است، خسروانی نام داشته اند و از آنجا که شمار این آهنگ ها نیز 7 تا بوده است، «هفت خسروانی» نیز نامیده می شده اند.

اما کم کم اصطلاح «هفت خسروانی» جای خویش را چنان باز کرد که معنی خسروانی را به «دستان» یا «دستگاه» تغییر داد. بطوریکه در نوشته های هزار سال پیش چنانکه دیدیم هر یک از دستگاه ها یک «خسروانی» به شمار می آمد و در اصل چنین نبوده است و خسروانی معنی اعم همه ی آهنگ ها و دستگاه ها و موسیقی بوده است. اما آنچه که امروز دستگاه نامیده می شود، نخست به نام «دستان» بوده، و هر یک از این دستان ها، «گوشه»هایی داشته اند که پیش از این نیز بدان اشاره رفت. من در نوشته های خیلی دور، اثری از «آهنگ» ندیدم و شاید گاهی شنونده ای به نوازنده ای می گفته است، مثلا، از گوشه ی «خوارزم»... آهنگ «نهاوند» کن! و کم کم آهنگ چنین معنایی بخود گرفته. واژه ای که مرادف آهنگ، در ادبیات فارسی دری دیده می شود «راه» یا ره است:

پرده ی عشاق زلف رهنزنت
در نواز و بانگ بر آفاق زن
پرده ی عشاق راهی خوش بود
راه ما در پرده ی عشاق زن

شعر از عطار نیشابور است؛ و در مصرع نخست، اگر «رهنزن» را ره زن بخوانیم معنی «آهنگ نواز» را می دهد، وگرنه راهزن و غارتگر دل و دین است. پس چنین است که واژه ی «راه» نیز به مناسبت همان سفر عرفانی، از گوشه ای به گوشه ی دیگر در موسیقی متداول شده است.

هر گه که زند قمری، راه ماورالنهری
گوید به گل حمری، باده بستان بلبل

پس، گوشه ها که هر کدام نام نوایی از گوشه ای از ایرانشهر بودند کم کم بنام بخشی از دستگاه یا به قول امروز ردیفی و آهنگی شناخته شدند... و چون خنیاگران بعدی آهنگ هایی بدان افزودند (که دیگر ویژه بخشی از ایران نبود) نام آن آهنگ ها نیز «گوشه» نامیده شد. گاه بجای راه و گوشه «پرده» آمده است و آن گویا از شروع آهنگ از روی پرده ای از پرده های رود گرفته شده است. اکنون هر یک از

دستان های هفت گانه «دستگاه» نامیده می شود که از دستان و گاه به معنی «سرود» گرفته شده است. به بخش های دستگاه «ردیف» یا «گوشه» می گویند. باین گفتار می توان داوری کرد که از دور هنگام، یعنی از زمانی که نغمه ها و آهنگ هایی به جز از آهنگ های بخش های ایران نیز ساخته شد، شمار گوشه ها بسیار بسیار بیش از این بوده باشد، که اکنون در دست است، زیرا چنانکه دیدیم هر یک از رویدادهای تاریخی و اجتماعی نیز موجب پیدایی آهنگی تازه می شد... و سرتاسر روزگاران گسترده ایران را رویدادهای بزرگ تاریخی پر کرده است. از نام گوشه های موسیقی ایران پیش از حمله ی عرب، چندی در شعر شاعران ایرانی برجای مانده است، و این خود نشان می دهد که تا حمله ی مغول نیز شناخته و نواخته می شده... اما از انبوهی از این آهنگ ها حتی دیگر نام هم در میان نیست!!

از شاعرانی که بیش از همه از آهنگ های ایرانی، آنهم از همانندی آن با نواهای طبیعت از جمله «سرود مرغان شیدا»، «نغمه ی نسیم»، «ناله ی جویبار»، «خروش تندر»، «غریو باد»، «همهمه ی برگ» و «زمزمه ی خار»... سخن می گوید، منوچهر دامغانی است که نام «هفتاد راه» یا «پرده ی موسیقی» را در اشعار خوش آورده است: آزاروار، ارجنه، اشکنه، افسر بهار، افسر سگزی، پرده ی باده، بادرنگ، با روزنه، باغ سیاوشان، باغ شهریار، بسکنه، بند شهریار، بهمن، پارسی، پالیزبان، تخت اردشیر، بخت اردشیر، راه ترکی، چکاوک، چکک، چینی، خما خسرو، دل افروز، دل انگیزان، دلارام، دنه، دیلمی، دیف رخش (دیو رخش)، راح روح، راست، راه گل، راهوی، روشن چراغ، راه ماورالنهری، رومی، زیر قیصران، زند (زند زیر)، سبزه بهار، سپهدان، ستا (زیر و ستا)، سروستان، سرو ستاه، سرو سهی، سوسنه، سیئارتیر، شخج، شکرین، شیشم، عشاق، قالوس، قیصران، کاویزه، کبک دری، گل چم، گل نوش، گنج باد، گنج فریدون، لبینا، پرده ی لیلی، پرده ی ماده، می بر سر، مویه ی زال، مهرگان خردک، ناقوسی، نوروز بزرگ، نوروز کیقباد، نوش لبینا (نوش لبینان، یا نوشین لپان)، نرگس، نی بر سر چنار، نی بر سر بهار، نی بر سر شیشم، نی بر سر کسری، هفت گنج، تیف گنج. نام برخی از این پرده ها گونه ی عربی به خود گرفته: راح روح (به معنی می) و عشاق (به معنی شیفته) و برخی هنوز شناخته و نواخته می شود. پرده ی راست (راست پنجگاه) پرده ی لیلی، نوروز، و برخی احتمالاً با تفاوتی در نام هنوز شناخته می شود. چونان راح روح که شاید امروز به نام «روح الارواح» در «نوا» و «بیات زند» (ترک) نواخته می شود یا «راهوی» که امروز بنام «رهاب»، یا «رهاوی» شناخته می شود. یا «دل انگیزان» که امروز با نام های «دلکش» و «دلایز» سروده می شود.

اکنون یکی از شعرهای منوچهری را که در آن نام بسیاری از این راه ها یکجا آمده بخوانیم:

رسم بهمن گیر و از نو تازه کن بهمنجنه

اورمزد و بهمن و بهمنجنه فرخ بود

مطربان ساعت به ساعت بر نوای زیر و بم

گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر

گاه نوای هفت گنج و گاه نوای گنج گاو

نوبتی پالیزبان و نوبتی سرو سهی

ساعتی سیوار تیرو ساعتی کبک دری

بامدادان، برچکک، چون چاشتگاهان بر شخج

ماه فروردین به گل چم، ماه دی بر بادرنگ

ای درخت ملک، بارت عز و بیداری تنه

فرخت باد اورمزد و بهمن و بهمنجنه

گاه سروستان زنند و گاهی اشکنه

گاه نوروز بزرگ و گاه نوای بسکنه

گاه نوای دیف خش و گاه نوای ارجنه

نوبتی روشن چراغ و نوبتی کاویزنه

ساعتی سرو ستاه و ساعتی با روزنه

نیمروزان بر لبینا، شامگاهان بردنه

مهرگان بر نرگس و فصل دگر بر سوسنه



این کتاب از وبلاگ میهن کتاب دانلود شده است.
mihanketab.blogfa.com

برای دریافت اطلاعات بیشتر
و آگاهی از جدیدترین کتابهای اضافه شده،
به صفحه فیس بوک میهن کتاب پیوندید.
facebook.com/mihanketab

